

معمای عشق

* نویسنده: پیتمن مگکیهی

* ترجمه: سیدمرتضی نظری

* ویرایش: شهره زمانی، از «ویراستاران»

* ناشر: بنیاد فرهنگ زندگی (وابسته به بنیاد فرهنگ زندگی بالنده)

* مدیر هنری و طراح جلد: مجید زارع

* نوبت چاپ: اول، بهار ۱۳۹۵

* شابک: ۲۰۰۰ نسخه

* قیمت: ۲۵۰۰۰ تومان

* شابک: ۴-۳۵-۶۲۶۸-۶۰۰-۹۷۸

* لیتوگرافی: پرینت

* چاپ: ستا سبز

* صحافی: جامی

* نشانی: پل سیدخندان، خردای مهروردی شمالی، پلاک ۸۲۹، طبقه ۲، واحد ۶

* تلفن: ۸۸۷۳۸۱۸۰-۱

سرشناسه: مگکی، ج. پیتمن Mc Lehee, J. Pittman

عنوان و نام پدیدآور: معمای عشق/پیتمن مگکی؛ مترجم سیدمرتضی نظری.

مشخصات نشر: تهران: بنیاد فرهنگ زندگی، ۱۳۹۴.

مشخصات ظاهری: ۴۰ ص؛ ۱۵/۵×۲۱/۵ س.م.

شابک: ۴-۳۵-۶۲۶۸-۶۰۰-۹۷۸

وضعیت فهرست‌نویسی: فیا

یادداشت: عنوان اصلی: The paradox of love, 2011

موضوع: عشق

موضوع: عشق — جنبه‌های مذهبی — مسیحیت

موضوع: روان‌شناسی یونگی

موضوع: روان‌شناسی یونگی — جنبه‌های مذهبی — مسیحیت

شناسه افزوده: نظری، سیدمرتضی، ۱۳۵۲، مترجم

رده‌بندی کنگره: BF1۷۵/۵ع۵م۷ ۱۳۹۳

رده‌بندی دیویی: ۱۵۲/۴۱

شماره کتابشناسی ملی: ۳۴۲۷۴۸۵

* مقدمه *

* مهم‌ترین پایه علم پزشکی عشق‌ورزیدن است. پاراکلیکوس
* اگر چیزی معماگونه نباشد، حقیقی نیست. شونریو سوزوکی

وقتی در دانشکده الهیات درس می‌خواندم، اولین نامه جان را خواندم که در آن نوشته بود: «خدا عشق است و آن‌هایی که با عشق زندگی می‌کنند، با خدا زندگی می‌کنند و خدا درونشان خانه دارد.» بعدها، در جایگاه کشیشی جوان، زندگی نامه خودنوشت کارل یونگ را خواندم: خاطرات، رؤیاها و افکار. در بخشی از کتاب با عنوان «افکار دیرینه»^۱، یونگ زیباترین نثری را که تاکنون درباره موضوع عشق خوانده‌ام، نگاشته است. در آنجا، او عشق را «بزرگ‌ترین، بی‌بشره، می‌نامد. این جمله یونگ شالوده این کتاب کوچک و پیکره اصلی مطالب آن را تشکیل می‌دهد.

من که نگرش جدیدی درباره «عشق» پیدا کرده بودم، متوجه شدم که عشق در تجربیات انسان مقوله‌ای ضروری است. اما اگر عشق «ماده ضروری و اساسی است، اساس چیست؟ کتاب حاضر نتیجه یک عمر تعمق من به عنوان یک مرد، یک پسر، یک موه، یک پدر و یک پدربزرگ درباره بزرگ‌ترین معمای بشر است: معمای عشق.

این کتاب تلاشی بدیع است و با این هدف نوشته شد که در ذهن شما سؤال برانگیزد و خودآگاهی‌تان را درباره مقوله عشق بیفزاید. گرافه‌گویی است اگر فکر کنید این کتاب کوچک، کامل و بی‌عیب و نقص است. باین‌حال، بر این باورم که این کتاب حداقل اشاره‌ای خواهد کرد به حق وسعت مقوله‌ای درک‌ناپذیر به نام «عشق».

اولین بخش این کتاب مربوط به این واقعیت است که زبان انگلیسی فقط یک «راه» برای عشق دارد: love. ما در این کتاب برای درک بهتر عشق، واژگان یونانی را اقتباس خواهیم کرد.^۲ زبان یونان باستان متوجه می‌شود که واژگان اروس^۱، فیلیا^۲ و آگاه^۳ در گسترش خودآگاهی ما درباره جنبه‌های مختلف عشق کمک می‌کنند. حداقل مطلبی که قرار است یاد بگیریم، این است که عشق احساسات گوناگونی را در بر می‌گیرد که همگی حقیقتی واحدند. عشق جنبه‌های مختلفی دارد؛ باین‌حال و به طریقی ظاهراً ضدونقیض، در تنوع عظیم جنبه‌های مختلف عشق وحدت وجود دارد.

تناقض مربوط به تکامل فردی (فرایند کامل‌شدن) این است که «من به تنهایی باید خودم شوم؛ اما من نمی‌توانم به تنهایی خودم شوم»، بنابراین، تجربیات گوناگون انواع کهن‌الگویی عشق به ما کمک می‌کنند در فرایند تبدیل‌شدن به کسی که هستیم، شکل بگیریم و توسعه پیدا کنیم.

1. Eros
2. Philia
3. Agape

ما به واسطهٔ کسانی که ما را دوست دارند و کسانی که ما را دوست ندارند، شکل می‌گیریم. مهم‌تر از آن اینکه ما به واسطهٔ ناراحتی‌های روانی که ادعا می‌کنند عشق هستند؛ ولی عزت نفس کم، رفتار وابستگی متقابل، بی‌اعتمادی به دیگران، مکانیسم‌های دفاعی و ترس و اضطراب را باعث می‌شوند، شکل می‌پذیریم. عمدهٔ آنچه ما آن را عشق می‌نامیم، عشق نیست؛ بلکه فرافکنی‌های روان‌رنجور است و سوءاستفاده و کنترل‌گری و سوءبرخورد. بررسی چهار نوع کهن‌الگوی عشق، یعنی عشق مادر، عشق پدر، عشق دیگری و عشق به خویش، به معنی خطرکردن در زمینهٔ عشق‌های قطعی است که در زندگی طبیعی تجربه می‌کنیم. مادر می‌تواند پرورش دهد یا ویران کند، حیات ببخشد یا خفه کند و در اکثر مواقع، او هر دوی این کارها را انجام می‌دهد. بحثمان دربارهٔ عشق، در مستلزم بخشیدن مادر بیولوژیکی مان است؛ چراکه او هرگز نمی‌تواند نیاز کهن‌الگویی ما به عشق را برآورده کند.

عشق پدر می‌تواند توانمند ساز یا مخرب باشد. انرژی عشق مربوط به «اصل پدر» همان انرژی است که می‌تواند احساس کفایت و وانمود و اعتماد به نفس را ایجاد کند یا احساس عزت نفس و شخصیت عمیق را در فرد از بین ببرد. در اینجا نیز ما به بررسی بیولوژیکی مان را ببخشیم؛ چراکه پدر و مادرمان هرچه باشند، انسان هستند و خدا نیستند که کامل و بی‌عیب و نقص باشند.

موجودی به اسم «دیگری معجزه‌گر» وجود ندارد. با این حال، ما همیشه، به عنوان ضرورتی برای تجربه کردن عشق، به دنبال فرد دیگری هستیم که باعث تحقق به بعد یا آمدن شود. «دیگری» در سفر دشوار زندگی رفیق و همراه ما خواهد بود و به مثابهٔ آینده‌ای عمل می‌کند. از طریقش می‌توانیم خود را بهتر و کامل‌تر بشناسیم. وجود دیگری برای رشد و تعالی ما ضروری است؛ اما باید انتظار داشته باشیم که کس دیگری برای ما زندگی بیافریند یا باعث کامل شدن ما شود. خودمان باید این کار را انجام دهیم.

عشق به خویش یا عشق به خود برترمان را در فرهنگ جوانان دنیای امروز آموزش نمی‌دهند و ما الگویی برای عشق ورزیدن به خودمان نداریم. عشق ورزیدن به خویش، را در جوامع امروزی، خودخواهی و خودشیفتگی تلقی می‌کنند و گاهی حتی با جنبه‌های جنسی، عشق، حقیقی به خویش، همراه توانمندسازی است که می‌تواند به اندازهٔ عشق‌های بیرونی که فرد دریافت می‌کند، حول‌برانگیز و سازنده باشد. اروس و فیلیا و آگاه و نیز عشق به مادر، پدر، دیگران و خویش یا خود برتر سه جنبهٔ عشق و چهار نوع عشق کهن‌الگویی هستند که چارچوبی برای بحث دربارهٔ معمای عشق که از معماهای بسیار بزرگ زندگی است، فراهم می‌آورند. پیشنهاد می‌کنم به این کتاب به عنوان منبعی برای مطالعه کردن نگاه نکنید؛ بلکه آن را روشی برای تجربه کردن حقیقتی بدانید که فقط در سطح عمیق‌تری از یقین می‌توان آن را درک کرد. در این سطح از یقین... خدا عشق است و آن‌هایی که با عشق زندگی می‌کنند، با خدا زندگی می‌کنند و خدا درونشان خانه دارد.